

مبانی فقهی حقوق اسلامی، سال سیزدهم، شماره بیست و پنج، بهار و تابستان ۱۳۹۹، ص ۳۴-۹

بررسی دامنه قاعده تحذیر(هشدار) در حقوق موضوعه^۱

پرویز اکبری

دانش‌آموخته دکتری فقه و حقوق اسلامی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و

تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

اصغر عربیان^۲

استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه

آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

قاعده تحذیر (هشدار) برگرفته از یکی از قضاوت‌های علی(ع) است که در روایتی از امام صادق(ع) آمده است «قد اعذر من حذر» یعنی کسی که هشدار دهد از ضمان معذور است. به موجب آن، هرکس پیش از انجام فعل زیان‌آور، هشدار و آگاهی بایسته جهت گریز از خطر را بدهد، در صورت بی‌توجهی هشدار گیرنده و ورود زیان به وی، هشداردهنده معاف از مسئولیت خواهد بود. این قاعده فقهی که در واقع یکی از مستقظات ضمان محسوب می‌شود، با دلایل عقلی و نقلی به اثبات رسیده که پژوهشگران زیادی پیرامون آن به تحقیق پرداختند. ولی محور بنیادین این نوشتار در این است که قلمرو و گستره کارکرد این قاعده تا کجاست؟ که با بررسی آثار و مکتوبات فقهی و حقوقی و به شیوه تحلیلی و توصیفی و با به‌کارگیری ابزار کتابخانه‌ای در جهت آشکار ساختن این دامنه و به بازگفت گستره کاربرد این قاعده در انواع تعهدات و حقوق داخلی و بیگانه و بین الملل می‌پردازیم.

کلیدواژه‌ها: قاعده هشدار، دامنه هشدار، حقوق داخلی، حقوق خارجی، حقوق بین الملل.

۱. تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۳/۹؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۷/۱۴

۲. پست الکترونیک (مسئول مکاتبات): a.arabian42@gmail.com

۱. مقدمه

یکی از قواعد بسیار باارزش و کاربردی در گستره فقه و حقوق که نقش شایانی در رفع مسئولیت دارد، هشدار (تحدیر) هست. به موجب آن، هرکس پیش از انجام کار زیان آور، هشدار و آگاهی بایسته جهت گریز از منطقه خطر را بدهد، در صورت بی توجهی هشدار گیرنده و ورود زیان به وی، هشداردهنده معاف از مسئولیت خواهد بود. منابع و مستندات حجیت قاعده هشدار عبارت‌اند از: کتاب، سنت، شهرت و بنای عقلاء و عرف که برجسته‌ترین مستند آن روایت صحیح ابوالصلاح کنانی از امام صادق (ع) (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص ۶۹). در مورد یکی از قضاوت‌های علی (ع) است آن‌جا که می‌فرماید: در زمان علی (ع) کودکانی درگیر گردو بازی (بازی با فلاخن) بودند و یکی از آنان گردویی پرتاب نمود و گردو به دندان دیگری برخورد نمود و دندان او را شکست و مرافعه نزد حضرت علی (ع) بردند و کودک پرتاب کننده گردو، اقامه بینه نمود که پیش از پرتاب گردو به سوی هم بازی‌اش، هشدار داده است. حضرت علی (ع) او را از قصاص تبرئه کرد و فرمود: «آن کسی که هشدار می‌دهد معذور است». روایت یادشده را افزون بر نقل آن توسط محمدون ثلاثه (کلینی، طوسی، ابن بابویه)، دانشمندان حدیثی دیگری نیز آن را نقل نموده‌اند. «با توجه به وجود محمد بن فضیل در سلسله سند که حدیث را از کنانی نقل کرده، آن را صحیح و یا حسن (نزدیک به صحیح) می‌دانند. بنابراین حدیث گفته شده از نظر سند معتبر و قابل اعتماد است» (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۳۹). نباید تصور کرد که روایت مزبور اختصاص به قضیه خاص دارد چرا که با توجه به برداشت فقهاء و سایر مستندات حجیت هشدار، می‌توان از آن الغای خصوصیت کرد و به عنوان یک حکم کلی و قاعده‌ی کلی در نفی مسئولیت اعم از کیفری و مدنی به کار برد. اگرچه در خصوص حجیت هشدار به عنوان رافع مسئولیت، در میان فقهاء اجماع وجود ندارد و لکن صاحب جواهر می‌فرماید: مخالفی در این حکم (رفع مسئولیت هشداردهنده) ندیده‌ام (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۲، ص ۶۹).

مبانی رافعیت ضمان از عامل زیان نیز از جمله تقصیر متضرر، قاعده اقدام و اقوی

بودن سبب از مباشر می‌توان قطع رابطه استناد عرفی را مبنای عدم مسئولیت هشداردهنده (عامل زیان) و بالطبع تحمیل تاوان زیان به مخاطب هشدار عنوان نمود که مستفاد از منابع فقهی و حقوقی و رویه قضایی محاکم دادگستری ایران نیز همین میناست. تناسب هشدار با خطر، قانونی و روا بودن فعل هشداردهنده، تقدم هشدار بر ضرر، امکان درک و ترک خطر، شرایط قاعده هشدار را تشکیل می‌دهند. هرچند برابر واژه‌ی هشدار در آثار فقهاء، واژه‌ی حذار است؛ ولی با مذاقه در آثار ایشان و حقوقدانان آشکار می‌گردد که علی‌رغم بیان مباحث مبسوط راجع به قاعده هشدار اما راجع به دامنه و قلمرو قاعده هشدار و گستره آن در حوزه فقه و حقوق به گونه مجزا و مدون و فراگیر، مورد بررسی قرار نگرفته و بیشتر در مصادیق و موضوعات جزئی فقهی لحاظ شده است. اگرچه از حقوقدانان معاصر، آقایان محقق داماد در کتاب قواعد فقه و سید محمد بجنوردی در کتاب قواعد فقهیه به گونه مستقل به قاعده تحذیر (هشدار) پرداخته‌اند؛ ولی مطالب مطروحه از سوی آن دو بزرگوار بسیار مختصر است. مقالات و پایان‌نامه‌های نوشته‌شده و کتاب‌های منتشره مانند جایگاه فقهی هشدار و نقش آن در مسئولیت کیفری تألیف دکتر حمیدرضا حاجی‌زاده و حسین زینالی نسرانی و قاعده فقهی تحذیر و تطبیق آن با حقوق انگلستان تألیف آقای مرتضی واحدی، تنها به یک یا چند جنبه خاصی از موضوع هشدار پرداخته و همه جوانب مرتبط با دامنه کاربرد قاعده هشدار را در نظر نگرفته‌اند؛ بنابراین نظر به ارزشمندی پرسمان جنبه‌های کاربردی آن، انجام این پژوهش به گونه گسترده و جستار پیرامون دامنه قاعده هشدار در چارچوب یک مقاله مستقل، بسیار ضروری و حتی ناکافی به نظر می‌رسد و فتح بابی است که پژوهشگران دیگر در زمینه کاربرد قاعده مذکور در هریک از موضوعات به صورت مستقل تحقیق نمایند چرا که: یکی از تدابیر لازم در جهت جلوگیری از پیش آمدن حادثه، هشدار و اعلام خطر است و انگیزه اصلی از به‌کارگیری هشدار، دوری از آسیب احتمالی آینده است. از این‌رو در قوانین و آیین‌نامه‌های داخلی و بیگانه مورد امعان نظر قانون‌گذار واقع شده است و اشخاص حقیقی و حقوقی و اداره‌ها و وزارتخانه‌ها و سازمان‌های فراوانی

مشمول رعایت وظایف سپرده شده در رابطه با هشدار هستند. بنا به مراتب، بررسی و پژوهش در رابطه با دامنه قاعده مذکور می تواند افزون بر جلوگیری از پیش آمدن حوادث در اجتماع، در رابطه با ارتفاع مسئولیت تأثیرگذار باشد. در این راستا این پژوهش، افزون بر به کارگیری اشخاص یاد شده می تواند مورد بهره مندی مراجعی مانند قوه قضاییه و مجلس شورای اسلامی و قضات و داوران و کارشناسان و وکلای دادگستری و مراکز دانشگاهی و علمی و پژوهشی قرار گیرد. لذا در این پژوهش ابتدا دامنه قاعده هشدار را در زمینه عملکرد هشدار از باب تقسیمات تعهدات موجود یعنی تعهد اخلاقی و قراردادی و غیر قراردادی مورد بررسی قرار داده و سپس دامنه قاعده را در تطبیق با حقوق داخلی و خارجی و بین المللی مورد بررسی قرار می دهیم و در نهایت به نتیجه گیری می پردازیم.

۲. دامنه قاعده هشدار در انواع تعهدات

با توجه به این که هشدار در واقع یکی از مسقطات ضمان و تعهد می باشد و تعهد از یک منظر به تعهد اخلاقی و قراردادی و غیر قراردادی تقسیم می شود که لازم است به تبع آن، قاعده هشدار را نیز به گونه های مختلف از باب گستره عملکرد آن از باب دامنه تأثیر قاعده در تعهدات اخلاقی و قراردادی و غیر قراردادی بیان کنیم.

۲.۱. هشدار به عنوان تعهد اخلاقی

با نگاه به کارکرد اصلی هشدار که اخبار به خطر احتمالی آینده است و این خطر احتمالی ممکن است زمینه های مسئولیت اخلاقی را فراهم آورد؛ «چو می بینی که نابینا و چاه است اگر خاموش بنشین گناه است» (گلستان سعدی). هرگاه کسی کاری را از روی ناآگاهی انجام می دهد که ممکن است عواقب خطرناکی برای او به همراه داشته باشد؛ وظیفه اخلاقی دیگران، هشدار دادن و آگاه کردن اوست. از این رو هشدار می که در این رابطه داده می شود یک هشدار اخلاقی است. به ویژه در باب امر به معروف و نهی از منکر و نیز در باب

نصح مستشیر که در آموزه‌های دینی به آن اشاره شده است. مسئله امر و نهی و تشویق و هشدار، به‌عنوان یک وظیفه اخلاقی ریشه در نهاد پاک آدمی داشته و اختصاص به زمان و مکان خاصی نیست و حتی می‌توان گفت که اخطار و هشدار و بیداری دیگران از کج روی‌ها، فراتر از انسان‌هاست به‌طوری‌که در قرآن کریم می‌خوانیم: وقتی مورچه‌ای، حضرت سلیمان(ع) را با لشگرش در حال حرکت دید به دیگر مورچگان با فریاد گفت: به لانه‌های خود برگردید تا پایمال نشوید. هنگامی که هدهد در پرواز خود از فضای کشور سبا متوجه انحراف مردم شد و دریافت که مردم به پرستش خورشید سرگرم‌اند، نزد حضرت سلیمان(ع) برگشت و از این انحراف گلایه کرد؛ بنابراین فریاد در برابر انحراف و دلسوزی برای دیگران نه تنها مسئله‌ای فطری برای انسان‌ها بلکه ریشه‌ای غریزی نیز دارد. اخلاق حکم می‌کند که کسی متوجه به خطر افتادن دیگری باشد به او هشدار بایسته را بدهد و اگر غیر این باشد شاید به علت نبود وجود تکلیف قانونی، مسئولیت کیفری و یا مدنی متوجه وی نباشد ولی مسئولیت اخلاقی که ناظر به وجدان و خداوند والا می‌باشد، متوجه او است. از این‌رو در روایتی از علی(ع) (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ش، ص ۵۳۱؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۷۶۷) می‌خوانیم «لأنصح كالتحذیر» که ارزش نصح و خیرخواهی در این روایت به‌روشنی بیان شده است. مقابل نصح، غش است و فروشنده‌ای که به عیوب آشکار و پنهان مبیع آگاهی دارد اخلاق حکم می‌کند که همه عیوب مبیع را به اطلاع خریدار برساند وگرنه مرتکب غش در دادوستد شده است. ارزش هشدار اخلاقی در جلوگیری از خطرات در جامعه و تعالی انسان و جلوگیری از اختلافات مالی در دادوستدها بسیار گسترده است، به‌طوری‌که با رعایت این عمل اخلاقی، بسیاری از اختلافات به وجود نمی‌آید و در کاهش پرونده‌های محاکم دادگستری کارآمد است.

۲.۲. هشدار به‌عنوان تعهد قراردادی

گاهی توافق طرف‌های قرارداد به نحو صریح، حاکی از لزوم هشدار دادن خطرهای موجود

در موضوع قرارداد است و گاهی توافق یادشده به صورت ضمنی و بنایی^۱، متضمن لزوم اخطار و هشدار از سوی طرف قرارداد است. در مسئولیت قراردادی، تعهد به هشدار دادن (صریح یا ضمنی) با اراده طرفین مرتبط است. ارتباط اراده با تخلف از انجام آن، چه به صورت عمد یا بی‌مبالاتی، زمینه را برای مسئولیت متخلف فراهم می‌سازد (شهیدی، ۱۳۹۳ش، ج ۳، ص ۶۳). با عدم انجام هشدار به عنوان تعهد قراردادی و ورود خسارت بحث از مسئولیت متعهد مطرح است و ماده ۲۲۱ قانون مدنی: «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند، در صورت تخلف، مسئول خسارت طرف مقابل است مشروط بر این که جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد، عرفاً به منزله تصریح باشد و یا برحسب قانون، موجب ضمان باشد». در هشدار دادن متعهد قراردادی، تقصیر متعهد در تخلف از انجام تعهد مفروض است و نیاز به اثبات آن از ناحیه متعهد له نیست و متعهد له صرفاً باید رابطه سببیت میان تخلف قراردادی (عدم هشدار) و ورود خسارت را اثبات نماید. (همان، ج ۳، ص ۷۵) یکی از مبانی تعهد به دادن اطلاعات لازم در معاملات، تسلیم عرفی و معنوی است و فروشنده باید مبیع را به گونه‌ای تسلیم خریدار نماید که او قادر به استفاده متعارف از مبیع باشد. در برخی از مواقع، استفاده نابه‌جا از کالای فروخته شده، ایجاد خطر می‌نماید و موجب ورود خسارت به کالا یا دیگران می‌شود مانند فروش بعضی از مواد شوینده یا داروها. اگر فروشنده به تعهد خود مبنی بر آگاهی سازی عمل نماید و در نتیجه خساراتی به بار آید مسئول جبران آنهاست (کاتوزیان، ۱۳۷۶ش، ج ۱، ص ۱۶۸).

۱. بعضی از حقوق دانان اختلاف در معنای شرط ضمنی و بنایی و تبانی را لفظی دانسته‌اند و شرط بنایی را به معنی توجه و پذیرش درونی طرف‌های قرارداد، نسبت به امری از امور مربوط به عقد دانسته‌اند (شهیدی، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۳۴۳).

طبق ماده ۳۶۷ قانون مدنی^۱ یکی از شرایط صحت تسلیم، متمکن ساختن مشتری از انحاء تصرفات و انتفاعات است و عدم انجام هشدار لازم در باره مبیع در موارد خاص به منزله عدم تسلیم تلقی می‌شود. تعهد به دادن هشدار در قرارداد بیع، نمودی از آگاه‌سازی است. در ماده ۳۳۷ قانون تجارت^۲ نیز به آگاهی‌سازی در تعهد قراردادی اشاره دارد. در حقوق فرانسه برخی از حقوق‌دانان، تعهد به آگاه‌سازی را بر مبنای تکلیف متعاملین به رعایت نتایج حاصله از عرف و عادت، تحلیل می‌کنند^۳ اما برخی دیگر، این تعهد را از فروع لزوم رعایت حسن نیت در قراردادها دانسته‌اند.^۴ در هر صورت این تعهد، تعهدی است قراردادی و ناشی از بیع (جعفری تبار، ۱۳۷۵ ش، ص ۹۸). بهر حال، فروشنده کالا در کنار تحویل مبیع به مشتری باید از دادن اطلاعات لازم در مورد استفاده از کالا در جهت گریز از خطرهای احتمالی غفلت نکند و این تعهد (دادن اطلاعات و هشدار) ریشه قراردادی دارد زیرا فروشنده به طور ضمنی ملزم است که تمامی اطلاعات ضروری در باب بهره‌برداری از مبیع و عیوب پنهان و آشکار آن را به خریدار بدهد و با هشدار دادن او را از ورود خسارات

۱. ماده ۳۶۷ قانون مدنی: «تسلیم عبارت است از دادن مبیع به تصرف مشتری به نحوی که متمکن از انحاء تصرفات و انتفاعات باشد و قبض عبارت است از استیلاء مشتری بر مبیع».

۲. ماده ۳۳۷ قانون تجارت «دلال باید در نهایت صحت و از روی صداقت طرفین معامله را از جزئیات راجعه به معامله مطلع سازد ولو این که دلالی را فقط برای یکی از طرفین بکند - دلال در مقابل هر یک از طرفین مسئول تقلب و تقصیرات خود می‌باشد».

۳. ماده ۱۱۳۵ قانون مدنی فرانسه: «عقود به فقط متعاملین را نسبت به چیزی که در آن‌ها تصریح شده ملزم می‌نماید بلکه آن‌ها را به نتایجی که انصاف، عرف و عادت یا قانون به اقتضای تعهد قایل است نیز ملزم می‌کند» ماده ۲۲۰ قانون مدنی ایران که ترجمه ماده مذکور است (نوری، ۱۳۹۳ ش، ص ۱۹) مقرر می‌دارد: «عقود نه فقط متعاملین را به اجرای چیزی که در آن تصریح شده ملزم می‌نماید بلکه متعاملین به کلیه نتایجی هم که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می‌شود، ملزم می‌باشند».

۴. ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه: «قراردادهایی که به طور قانونی تشکیل شده باشند جایگزین قانون نسبت به اشخاصی است که آن‌ها را منعقد کرده‌اند. این قراردادها را نمی‌توان فسخ کرد، مگر با اقاله یا به جهاتی که قانون، اجازه می‌دهد. این قراردادها را باید با حسن نیت اجرا نمود».

احتمالی ناشی از مبیع بر حذر دارد (کاتوزیان، ۱۳۹۰ش، ص ۲۲۰). در مورد میزان اطلاع‌رسانی و هشدار می‌توان به عرف مراجعه کرد. «برای مثال، درباره دارویی که به‌طور معمول در دسترس همگان نیست و جز با تجویز پزشک فروخته نمی‌شود، ضرورتی ندارد که فروشنده طرز استعمال و همه نتایج خوب و بد آن را به خریدار گوشزد کند و کافی است هشدار دهد که دارو تنها با تجویز پزشک باید به مصرف برسد. ولی در باره زیان‌های احتمالی ناشی از استعمال نابه‌جای صابون‌ها و عطرها، مورد مصرف عموم، اخطار فروشنده باید با تفصیل بیشتری همراه باشد و مصرف‌کننده را به اندازه کافی آگاه سازد» (همان، صص ۲۲۱-۲۲۲). در مبحث مربوط به شرایط هشدار این نوع هشدار را بیشتر توضیح می‌دهیم.

۲.۳. هشدار به‌عنوان تعهد غیر قراردادی

بسیاری از زمان‌ها میان عامل زیان و زیان‌دیده هیچ‌گونه قراردادی وجود ندارد و مسئولیت شناختن عامل زیان در نتیجه تخلف از تعهد غیر قراردادی است. تعهد به هشدار دادن محدود به قراردادهای نیست؛ بلکه بیشتر این تعهدات در جامعه کنونی با پیشرفت تکنولوژی و پیچیده شدن روابط اشخاص و به‌کارگیری از صنایع ماشینی، ناشی از تعهدات غیر قراردادی است. میان فروشنده کالا و خریدار، قرارداد حاکم است و مسئولیت قراردادی مطرح است ولی میان تولیدکننده و یا سازنده کالا با مصرف‌کننده و استفاده‌کننده از کالا در بیشتر موارد، قراردادی وجود ندارد ولیکن تولیدکننده تکلیف قانونی دارد که هشدارهای لازم را درباره خطرات ناشی از مصرف کالا به مصرف‌کننده گوشزد نماید. اگر تولیدکننده به تکلیف خود مبنی بر دادن هشدار نسبت به خطرهای پنهانی کالا، عمل ننماید و در این رهگذر، خسارتی به مصرف‌کننده وارد شود بحث مسئولیت غیر قراردادی مطرح است. این تعهدات، ناشی از اراده طرف‌های قرارداد نیست بلکه از اراده قانون‌گذار نشأت می‌گیرد (ژوردن، ۱۳۹۱ش، ص ۸۹). در واقع تخلف از مقررات قانونی (تکلیف به هشدار) موجب

مسئولیت و انجام مقررات قانونی یادشده موجب سلب مسئولیت است؛ برای نمونه در ماده ۶۶ آیین‌نامه ایمنی تصفیه‌خانه‌های آب و فاضلاب مصوب ۱۳۸۹ که مقرر می‌دارد: «مواد خطرناک و سمی باید در محفظه‌های قفل‌دار، دارای علائم هشداردهنده و دور از دسترس افراد متفرقه نگهداری شود» و چنان‌چه به این تکلیف قانونی عمل نشود و خسارتی به بار آید؛ مسئولیتی که در این‌جا مورد بحث است همان مسئولیت غیرقراردادی است. دامنه هشدار در مسئولیت خارج از قرارداد به مراتب بیشتر از مسئولیت قراردادی است. شهرداری-ها، اداره‌های راه و ترابری، پلیس راهنمایی و رانندگی، ورزشکاران و کارگزاران ورزشی و سازمان‌های وابسته، نیروهای مسلح و ضابطین خاص و عام دادگستری، کار و کارگری و مرتبطان ساخت‌وساز اعم از پیمانکاران و مالکین و کارفرمایان و مهندسان ناظر و تولیدکنندگان کالا و توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان، پزشکان و دامپزشکان و داروسازان و اشخاص مرتبط به حقوق بین‌الملل و خلاصه هر شخص حقیقی و حقوقی که ناگزیر به رعایت احتیاط و هشدار و آگاه‌اندن و گوشزد به دیگران باشد، با رعایت شرایط هشدار می‌توانند در برابر آسیب‌های وارده و مسئولیت مربوطه خودشان را مبری نمایند. نمونه آشکار آن را می‌توان درباره کندن‌هایی که به دست عوامل شهرداری و یا آب و فاضلاب برای لوله‌گذاری در معابر و کوچه و خیابان‌های شهر انجام می‌دهند و رهگذر و یا وسایل نقلیه به داخل این حفاری‌ها سقوط می‌کند و در این بین، خسارتی را متوجه اشخاص می‌کند و این‌جاست که نوع و کیفیت و چگونگی هشدار و گذاشتن تابلوهای هشداردهنده به گونه دیداری و یا شنیداری در رسیدگی به پرونده‌های مطروحه و گزینش مسئول زیان و انشای رأی به دست دادرس دادگاه درخور اهمیت است.

۳. موارد تطبیق قاعده هشدار

۳.۱. حقوق داخلی

با نگاه اجمالی در قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها، می‌توان گفت که قانون‌گذار

در بسیاری از موارد به قاعده هشدار توجه داشته است. اگرچه در قدیم و حقوق روم، فرقی میان مسئولیت مدنی و کیفری وجود نداشت. مجازات کسی که جرمی مرتکب می شد در بسیاری از جرایم پرداختن خسارت به قربانی خود بود، هم چنان که در حقوق اسلام دیده چنین نقشی را ایفا می کند (کاتوزیان، ۱۳۹۴ ش، ص ۱۵). اما با توجه به این که در حقوق فعلی، تمایز آشکار میان مسئولیت مدنی و کیفری وجود دارد و این دو نوع مسئولیت دارای دو نظام حقوقی مجزا می باشند؛ بنابراین، با جداسازی این دو نوع مسئولیت موارد تطبیق قاعده هشدار در این دو مسئولیت را توضیح می دهیم. در رابطه با مسئولیت های دیگر من- جمله مسئولیت اداری، انتظامی، انضباطی، صنفی و گروهی نیز به طور اختصار مطالبی بیان می شود.

۳. ۱. ۱. مسئولیت کیفری و هشدار

برابر ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می شود». ماده یادشده همانند اصل ۳۶ و ۱۶۶ و ۱۶۷ قانون اساسی ناظر به اصل قانونی بودن جرم و مجازات است. جرم از نظر عنصر معنوی به جرم عمدی و غیرعمدی تقسیم می شود. جرایم عمدی به جرایمی اطلاق می شود که عنصر معنوی آن ها، سوءنیت یا قصد مجرمانه است؛ مانند تخریب عمدی اموال دیگری یا قتل عمدی، سرقت، کلاه برداری؛ ولی جرایم غیرعمدی به جرایمی می گویند که عنصر معنوی آن ها تقصیر یا خطای جزایی است و مصادیق خطای جزایی عبارت اند از بی احتیاطی، بی مبالاتی، قصور و سهل انگاری، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی. با توجه به شرایط قاعده هشدار که به صورت مفصل به آن خواهیم پرداخت،

۱. اصل ۳۶ قانون اساسی: «حکم به مجازات و اجراء آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد».
اصل ۱۶۶ قانون اساسی: «احکام دادگاه ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است».

خصوصاً شرط عدم وجود قصد اضرار هشداردهنده می‌توان گفت که در جرایم عمدی^۱ اساساً قاعده هشدار کاربردی ندارد و تمامی مباحثی که در قاعده هشدار مطرح می‌شود و از آن در رفع مسئولیت کیفری مورد استفاده قرار می‌دهند ناظر به جرایم غیرعمدی و خطای جزایی است.

در مستند اصلی قاعده هشدار یعنی روایت امام صادق (ع) از واژگان قصاص، دیه، ضمان استفاده شده است که با توجه به اطلاق روایت می‌توان قاعده هشدار را در رفع مسئولیت مدنی و کیفری مورد استفاده قرار داد. با نگاه کوتاه به مجموعه قوانین کیفری به قوانین و مقررات فراوانی برخورد می‌کنیم که به صورت صریح و یا ضمنی به هشدار توجه شده است. اگرچه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در فصل مربوط به موانع مسئولیت کیفری نامی از هشدار برده نشده است و این که آیا قاعده هشدار به عنوان علل موجهه جرم است یا از عوامل رافع مسئولیت کیفری و یا علل معاف کننده از کیفر میان نویسندگان در امور جزایی اختلاف است (حاجی زاده و زینالی نسرانی، ۱۳۹۲، ص ۲۲۴ به بعد). به هر روی در کارایی هشدار در رفع مسئولیت کیفری نباید تردید کرد. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قانون‌گذار از واژگانی مانند هشدار و اخطار و آگاهی دادن استفاده نموده که قابل تطبیق با قاعده هشدار می‌باشد. به طور نمونه در ماده ۵۱۹ قانون مجازات اسلامی^۲ آگاه نمودن از وجود خطر به افراد در معرض آسیب را موجب انتفای

۱. «فعل عمد به فعلی تحقق می‌یابد که فاعل، انجام آن را برای ایجاد نتیجه خاص داشته باشد و آن نتیجه حاصل شود و در شبهه عمد، قصد فعل وجود دارد بدون این که قصد نتیجه وجود داشته باشد اما در خطای محض نه در عمل و نه در نتیجه قصدی وجود ندارد» (سپهوند، ۱۳۵۳، صص ۱۲۸ و ۱۲۹، ۱۴۳).

۲. ماده ۵۱۹ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه دیوار یا بنایی که برپایه استوار و غیر متمایل احداث شده است در معرض ریزش قرار گیرد یا متمایل به سقوط به سمت ملک دیگری یا معبر گردد اگر قبل از آن که مالک تمکن اصلاح یا خراب کردن آن را پیدا کند ساقط شود و موجب آسیب گردد، ضمان منتفی است مشروط به آن که به نحو مقتضی افراد در معرض آسیب را از وجود خطر آگاه کرده باشد. چنانچه مالک با وجود تمکن از اصلاح یا رفع یا آگاه‌سازی و جلوگیری از وقوع آسیب، سهل‌انگاری نماید، ضامن است».

ضمان دانسته است. در تبصره ۱ ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی^۱، یکی از مصادیق قاعده هشدار یعنی سهل انگاری در اطلاع دادن به شخصی که بدون اذن مالک وارد ملک او شود را در صورت استناد صدمه و تلف به سهل انگاری مذکور، سبب ضمان می‌داند. از مطلب گفته شده می‌توان برداشت کرد که مقنن در تصویب تبصره مرقوم به قاعده هشدار التفات داشته است. در تبصره ۲ ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲^۲ گذاشتن علایم هشداردهنده توسط فاعل عمل ضمان آور و عدم توجه مصدوم به آن را دلیل استناد حادثه و صدمه به مصدوم دانسته و مرتکب را از مسئولیت کیفری مبرا دانسته است.

در بسیاری از حوادث و رویدادها که در اجتماع رخ می‌دهد از نظر حقوق واجد ویژگی ترکیبی (جنبه کیفری، جنبه حقوقی) می‌باشد؛ مثلاً در مورد تصادف منجر به صدمات یا قتل شبه عمدی و یا عدم رعایت نظامات دولتی در امور کار منجر به ورود صدمات، افزون بر جبران خسارت که جنبه حقوقی دارد و ذینفع باید با طرح دعوی حقوقی چه به صورت مستقل و یا دادخواست ضرر و زیان ناشی از جرم اقدام نماید، در جنبه کیفری آن که قابل پیگرد از سوی مدعی العموم و بحث مسئولیت کیفری مطرح است. کسی که مرتکب جرم تصادف منجر به جرح شود علاوه جبران خسارت وسیله نقلیه مقابل که نیاز به تقدیم دادخواست حقوقی دارد؛ از لحاظ جنبه عمومی جرم نیز طبق ماده ۷۱۴ و ۷۱۵ و

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. تبصره ۱ ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه شخص آسیب دیده بدون اذن مالک یا با اذنی که قبل از انجام اعمال مذکور از مالک گرفته، وارد شود و صاحب ملک از ورود او اطلاع نداشته باشد، مالک ضامن نیست مگر این که صدمه یا تلف به علت اغواء، سهل انگاری در اطلاع دادن و مانند آن مستند به مالک باشد».
۲. تبصره ۲ ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه کسی در ملک دیگری و بدون اذن او، مرتکب یکی از کارهای مذکور در ماده (۵۰۷) این قانون گردد و شخص ثالثی که بدون اذن وارد آن ملک شده است، آسیب ببیند، مرتکب عهده‌دار دیه است مگر اینکه بروز حادثه و صدمه مستند به خود مصدوم باشد که در این صورت مرتکب ضامن نیست مانند این که مرتکب علامتی هشداردهنده بگذارد یا درب محل را قفل کند لکن مصدوم بدون توجه به علائم یا با شکستن درب وارد شود».

۷۱۷ قانون مجازات اسلامی^۱ به مجازات قانونی محکوم می‌شود. در بسیاری از قوانین و مقررات مربوط به این گونه حوادث به هشدار و آگاهی‌سازی توجه شده است که ذکر همه آن‌ها باعث اطاله کلام می‌شود به یک نمونه اشاره می‌شود. در ماده ۲۶ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۸ مقرر می‌دارد: «درراه‌هایی که برای عبور عابران پیاده علائم، تجهیزات و مسیرهای ویژه اختصاص داده شده است عابران مکلف‌اند هنگام عبور از عرض یا طول سواره‌رو با توجه به علائم راهنمایی و رانندگی منصوبه در محل از نقاط خط‌کشی‌شده، گذرگاه‌های غیرهمسطح و مسیرهای ویژه استفاده کنند هرگاه عابران به تکلیف مذکور عمل نکنند، در صورت تصادف با وسیله نقلیه، راننده مشروط به این‌که مقررات را رعایت نموده باشد و قادر به کنترل وسیله نقلیه و جلوگیری از تصادف یا ایجاد خسارت مادی و بدنی نباشد، مسؤولیتی نخواهد داشت». طبق ماده مذکور اگر عابر پیاده بدون توجه به علائم هشداردهنده از مسیرهایی (مانند اتوبان) عبور کنند که طبق مقررات قانونی ممنوع می‌باشد و از مسیرهای ویژه استفاده نکنند و به این علت موجبات تصادف فراهم شود و متحمل صدمات مالی و یا جانی شوند، مسئولیت جزایی متوجه راننده نمی‌باشد. ماده مذکور ناظر به قاعده هشدار و یکی از مصادیق آن است که در رفع مسئولیت کیفری مؤثر می‌باشد.

۱. ماده ۷۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵: «هر گاه بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت راننده (اعم از وسایط نقلیه زمینی یا آبی یا هوایی) یا متصدی وسیله موتوری منتهی به قتل غیر عمدی شود مرتکب به شش ماه تا سه سال حبس و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم می‌شود».

ماده ۷۱۵: «هر گاه یکی از جهات مذکور در ماده (۷۱۴) موجب مرض جسمی یا دماغی که غیر قابل علاج باشد و یا از بین رفتن یکی از حواس یا از کار افتادن عضوی از اعضای بدن که یکی از وظایف ضروری زندگی انسان را انجام می‌دهد یا تغییر شکل دائمی عضو یا صورت شخص یا سقط جنین شود مرتکب به حبس از دو ماه تا یک سال و به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه مصدوم محکوم می‌شود».

ماده ۷۱۷: «هر گاه یکی از جهات مذکور در ماده (۷۱۴) موجب صدمه بدنی شود مرتکب به حبس از یک تا پنج ماه و پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه مصدوم محکوم می‌شود».

۳. ۱. ۲. هشدار و مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی به معنی خاص یا غیر قراردادی یا خارج از قرارداد یا قهری که گاهی مسئولیت قانونی خوانده می‌شود، در واقع پاسخ‌گویی شخص عامل زیان نسبت به زیان‌دیده است به نحوی که متعهد و ملزم به جبران ضرر و زیان ناشی از عمل زیان‌آور منتسبه است. در حقوق اسلامی برای بیان مسئولیت مدنی واژه مسئولیت بکار نرفته است و مباحث مرتبط با مسئولیت مدنی به‌عنوان بخشی از ضمان قهری مطرح است. مسئولیت مدنی جزء واقعه حقوقی است که اثر آن به حکم قانون است و اراده و انشاء مرتکب، سبب اصلی آن آثار نیست.

اثر قاعده هشدار نسبت به هشداردهنده این است که اگر عامل زیان (هشداردهنده) پیش از وقوع حادثه، با رعایت شرایط لازمه و به گونه موثر، احتمال وقوع خطر را گوشزد نماید و مخاطب هشدار به‌رغم دریافت و آگاهی از هشدار و توانایی گریز از خطر، پروایی به هشدار ننموده و یا با پذیرش خطر، متحمل زیان شود، عامل زیان مبرا از مسئولیت مدنی است و در واقع عمل زیان‌دیده (ترک فعل) رابطه سببیت میان عمل عامل زیان و ضرر را قطع می‌کند و علت و سبب منحصر وقوع حادثه محسوب می‌شود. به سخن دیگر، فعل زیان‌دیده (عدم توجه به هشدار) یک سبب است که مؤثر در انقطاع رابطه سببیت میان فعل زیان‌بار و زیان وارده است. سبب یادشده به‌اندازه‌ای نیرومند است که موجب قطع رابطه سببیت بین فعل خواننده و خسارت است و از این‌رو خواننده را به‌طور کامل از مسئولیت معاف می‌نماید. ولی عدم هشداردهی که نوعی تقصیر به حساب می‌آید ممکن است مسئولیت آور باشد ولی در این‌جا مبنای مسئولیت قاعده هشدار نیست بلکه قواعد دیگر مسئولیت می‌باشد. به سخن دیگر، در برابر موجبات ضمان، افعال و اقوالی نیز ساقط‌کننده ضمان شمرده می‌شوند قاعده هشدار به‌عنوان یکی از مسقطات ضمان بکار گرفته می‌شود. هشدار مؤثر و رافع ضمان (مسئولیت مدنی) است که دارای شرایط پیش‌گفته باشد که این شرایط باید در موضوع هشدار جمع باشد و فقدان یکی از این شرایط مانع انجام شدن

هشدار است و اگر هشدار مؤثر نباشد نمی‌تواند مورد استناد قرار گیرد و رافع مسئولیت تلقی شود. اگر پیش از وقوع حادثه، هشدار بایسته را نداده باشد و یا این‌که هشدار فاقد شرایط باشد، دادگاه دفاعیات خواننده را رد می‌نماید و با استناد به اصل کلی که در مسئولیت مدنی وجود دارد و وجود رابطه سببیت میان زیان وارده به زیان‌دیده و عمل زیان‌بار به محکومیت خواننده اصدار رأی می‌نماید. هرچند عدم هشداردهی و یا عدم رعایت شرایط شرط مسئولیت نمی‌باشد و همان‌طوری که پیشتر اشاره شد، آنچه در حقوق اسلامی مهم است رابطه سببیت بین فعل عامل زیان و خسارت وارده است و تقصیر می‌تواند قرینه و یا اماره‌ای بر وجود رابطه سببیت باشد.

اثر قاعده هشدار نسبت به مخاطب هشدار این است که اگر پیش از انجام فعل زیان‌بار، به گونه درست و واجد شرایط، هشداردهی صورت گیرد و مخاطب هشدار علی‌رغم اطلاع از هشدار به آن پروایی ننموده و متحمل زیان شود، مخاطب هشدار نمی‌تواند برای جبران زیان به عامل زیان رجوع نماید و در صورت طرح دعوی علیه عامل زیان و با ارائه دفاع عامل زیان و اثبات قاعده هشدار حکم به بی‌حقی خواهان (زیان‌دیده مخاطب هشدار) صادر خواهد شد. به دلیل این‌که خواهان با اثبات ارکان سه‌گانه مسئولیت یعنی خطا و ضرر و رابطه سببیت بین خطای عامل زیان و ضرر، خواسته خودش را مطرح می‌نماید و خواننده (هشداردهنده) به قاعده هشدار جهت رفع مسئولیت خود استناد می‌کند؛ به طوری که قاعده هشدار در صورت جمع شرایط مقرر سبب انقطاع رابطه سببیت می‌شود و به رکن سوم از ارکان مسئولیت خلل وارد می‌کند که در این صورت زیان‌دیده نه تنها نمی‌تواند خسارت وارده به خود را مطالبه نماید بلکه باید نسبت به جبران خسارت وارده به عامل زیان و دیگران نیز برآید.

اثر هشدار نسبت به اشخاص ثالثی که به تبع مسئول اصلی متحمل تدارک خسارت می‌باشند به این‌گونه است که در رابطه با عاقله، در هنگامی که رامی با هشدار به موقع، اجتناب از خطر را به مخاطب گوشزد نماید در این صورت نه تنها ضامن نیست بلکه عاقله

وی نیز ضامن نیست؛ به هر روی اگر به موقع هشدار ندهد و یا در هشدار دادن شرایط لازم را رعایت نکند و یا هشدار به سمع و اطلاع مخاطب هشدار نرسد به علت عدم تحقق هشدار، با باقی بودن خطای عامل زیان، عاقله ضامن است. در این صورت عمل زیان‌آور مستند به عامل زیان است. هر آینه با جری قاعده هشدار به راستی رابطه انتساب میان فعل عامل زیان و زیان وارده قطع می‌شود و فعل عامل زیان منصرف از خطای محض تلقی می‌شود. در رابطه با مسئولیت بیمه با توجه به معنی و مفهوم تقصیر در صنعت بیمه که شامل خطاهای بزرگ و عمدی بوده نه خطاهای معمولی و عادی غیر عمد و حتی در حقوق انگلستان نیز وجود پوشش بیمه در مورد خطای غیر عمدی و عدم پوشش درباره ایراد خسارت عمدی توسط بیمه‌گذار از اصول مسلم به شمار می‌رود، از این رو رفع مسئولیت عامل زیان مانعی جهت مراجعه به بیمه و جبران خسارت طبق تعهدات بیمه‌ای نیست. در رابطه با بیت‌المال نیز فقهاء در بحث ضمان رami، با وجود شرایط قانونی هشدار، عامل زیان و عاقله و بیت‌المال را از مسئولیت مبرا دانسته‌اند. بنابراین، قاعده هشدار در مسئولیت مدنی اعم از قهری یا قراردادی بسیار کاربرد دارد و از اطلاق قسمت اخیر روایت امام صادق (ع) درباره حکمیت علی (ع) یعنی جمله «قد اعذر من حذر» می‌توان رفع ضمان (مسئولیت مدنی) استنباط نمود و هشداردهنده با رعایت همه جوانب امر و شرایط لازم و اعلام خطر در صورت بی‌توجهی مخاطب هشدار از مسئولیت مدنی مبرا می‌شود. خواننده دعوا در مسئولیت مدنی برای عدم تکلیف به جبران خسارت می‌تواند به قاعده هشدار استناد نماید. با توجه به این که انواع مختلف مسئولیت مدنی شامل مسئولیت ناشی از عمل شخصی و مسئولیت ناشی از فعل غیر و نیز مسئولیت ناشی از اشیاء تقسیم می‌شود و اثر هشدار در هر یک از مسئولیت‌های قابل بررسی و تأثیرگذار است.

۳.۱.۳. هشدار و دیگر مسئولیت‌ها

در حقوق داخلی عناوین دیگری از مسئولیت‌ها مانند مسئولیت اداری، انتظامی، انضباطی،

صنفي و گروهی وجود دارند که قاعده هشدار در این گونه مسئولیت‌ها نیز می‌تواند کاربرد داشته و در رفع مسئولیت‌های مذکور مؤثر باشد. مسئولیت اداری ناظر به کارمندان دولت به مفهوم اعم است که بر پایه مقررات اداری ناگزیر به رعایت نظم و انضباط اداری هستند. «مسئولیت اداری عبارت است از مسئولیت ناشی از تخلف انضباطی در امور اداری» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴ش، ص ۶۴۲). چنانچه تخلفی اداری مانند غیبت غیر موجه نمایند و یا با بدرفتاری با ارباب رجوع مرتکب تخلف اداری شوند در مراجع اداری ویژه‌ای مانند هیات رسیدگی به تخلفات اداری مورد تعقیب قرار می‌گیرند و به مجازات‌های قانونی مانند تذکر یا توبیخ شفاهی یا کتبی یا تنزل رتبه یا حقوق و یا انفصال از خدمت و مانند آن‌ها محکوم می‌شوند. بدیهی است قاعده هشدار عام الشمول و دارای دامنه گسترده‌ای است که در مسئولیت اداری نیز می‌تواند کاربرد داشته باشد. به طوری که یک کارمند اداری در دفاعیات خود می‌تواند به قاعده هشدار در رفع مسئولیت خود استناد نماید. مسئولیت انتظامی ناظر به برخی از مشاغل مانند وکلاء، پزشکان، قضات، سردفتران اسناد رسمی و کارشناسان و غیره که در جهت سامان‌دهی امور حرفه‌ای تابع ضوابط و مقررات خاص شغل خود می‌باشند و با عنایت به تخصصی بودن مقررات، در صورت سرپیچی از این مقررات به مسئولیت انتظامی آن‌ها در مراجع تخصصی به نام دادسرا و دادگاه‌های انتظامی رسیدگی می‌شود. مسئولیت انضباطی بیشتر ناظر به افرادی است که به امر آموزش و تحصیل مشغول می‌باشند مانند دانشجویان و دانش‌آموزان و اساتید دانشگاه که به تخلفات آن‌ها در کمیته‌های انضباطی رسیدگی می‌شود.

با توجه به نوع تخلف منتسب به افراد یادشده می‌توان قاعده هشدار را در رفع مسئولیت آنان با وجود شرایط مقرر در نظر گرفت. مسئولیت دیگر این که هر گروه و صنف یا اجتماعی، مقررات و ضوابطی برای انتظام امور خود دارند که تخلف از این مقررات، مسئولیت صنفي و گروهی را موجب می‌شود. قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفي و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده مصوب

۱۳۶۰/۶/۷ ناظر به همین مسئولیت می‌باشد. قلمرو قاعده هشدار و کاربرد آن را در این‌گونه مسئولیت‌ها نیز قابل گسترش و تسری می‌باشد. ولی چون بحث اصلی ما در مورد تأثیر هشدار در مسئولیت مدنی است لذا پرداختن به مسئولیت‌های دیگر و تأثیر قاعده هشدار در آن‌ها مجال دیگری خواهد بود.

۲.۳. حقوق خارجی

با مطالعه تطبیقی در حقوق کشورهای فرانسه و مصر که وابسته به حقوق رومی - ژرمنی می‌باشند و نیز حقوق کامن‌لو مانند حقوق انگلستان و آمریکا می‌توان نمونه‌هایی از مصادیق قاعده هشدار را یافت. اگرچه در حقوق بیگانه، قاعده هشدار با شکل و شمایلی که در حقوق داخلی و حقوق اسلام خصوصاً فقه امامیه مطرح است، شناخته نیست؛ ولی با ملاحظه مصادیق هشدار می‌توان نتیجه گرفت که در بسیاری از مسئولیت‌ها، هشداردهی و آگاهی‌سازی در دفاعیات خواننده در جهت رفع مسئولیت مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. در حقوق آمریکا نیز از هشدار و اعلام خطر نام برده شد که عامل زیان برای گریز از مسئولیت می‌تواند به آن استناد نماید و در معنی هشدار گفته‌اند: «هشدار در واقع از پیش گفتن خطر ذاتی در یک فعالیت مشخص است» (جامپون جونیوز، ۱۳۸۸ش، ص ۲۴۲).

یکی از دعاوی مطرح در دادگاه‌های آمریکا، دعوای تامسون علیه مدارس دولتی سیاتل بود که نقطه عطفی در دعوای ورزشی به حساب می‌آید. در دعوای یادشده، پسر بچه‌ای که در پایه دوم دبیرستان سرگرم تحصیل بود به خاطر آسیب در بازی فوتبال از ناحیه دست و پا فلج شد و مبلغ ۶/۳ میلیون دلار خسارت دریافت نمود. صدمه هنگامی به وی وارد آمد که سرش را پایین آورده بود و برای گریز از دست بازیکنان حریف به صورت مارپیچ با توپ حرکت می‌کرد و به علت ضربه بازیکن مقابل به روی کلاه ایمنی‌اش مصدوم شد و دعوای علیه مربی و منطقه آموزشی مطرح نمود و دادگاه به علت عدم هشداردهی و آگاهی‌سازی از خطرهای ذاتی این بازی، مدرسه را مسئول دانسته است و چنین استدلال نمود که اگرچه در

خود ورزش سازمان‌یافته مذکور به‌طور ضمنی هشدار وجود دارد ولی آموزشگاه‌ها وظیفه دارند نسبت به خطرهای نامتعارف ورزش مذکور به بازیکنان هشدار و آگاهی‌سازی نمایند (همان، ص ۵۲).

در حقوق فرانسه نیز تعهد آگاه‌سازی و هشداردهی که بسیاری از پیشه‌وران، ملزم بدان هستند، به‌عنوان یکی از اسباب معافیت از مسئولیت مطرح است (ژوردن، ۱۳۹۱ش، ص ۹۴). شعبه دوم حقوقی دیوان عالی فرانسه در دوم می ۱۹۴۶ یک رأی صادر نمود که برابر آن، خسارات وارده به باغ دیگری از ناحیه یک شکارچی را در صورتی قابل جبران دانسته که کشاورز علائم هشدار را در آن باغ مبنی بر تعلق ملک خصوصی نصب نموده باشد و به علت عدم هشدار کشاورز، منشأ خسارت را فعل کشاورز (عدم هشدار) در نظر گرفته است (بزرگمهر، ۱۳۹۴ش، ص ۲۴). از مفهوم رأی یادشده چنین مستفاد است که اگر کشاورز علائم هشداردهنده را نصب می‌کرد و شکارچی به آن علائم توجه نمی‌کرد و اجتناب از خطر صورت نمی‌گرفت در آن صورت کشاورز مسئول نبود. به موجب رای شعبه دوم مدنی دیوان عالی کشور فرانسه ۱۹ ژوئن ۱۹۹۶ عدم آگاه‌سازی یا هشداردهی افزون بر مسئولیت قراردادی در مسئولیت خارج از قرارداد نیز تقصیر تلقی و موجب مسئولیت شده است (ژوردن، ۱۳۹۱ش، صص ۱۹۷-۱۹۸). در قانون مدنی متصرفین انگلیس^۱ در مقام بیان وظیفه مراقبت و محافظت^۲ به اخطار و تحذیر و تأثیر آن در مسئولیت می‌پردازد؛ به طوری که اگر اخطار و تحذیر به‌اندازه‌ای صریح، مفید و کافی و به‌اصطلاح متعارف و معقول باشد، در رفع مسئولیت هشداردهنده مؤثر می‌باشد (Owen, 1957, p.51). در محاکم حقوقی انگلستان با توجه به رأی‌های صادره، هشدار طریقی است برای احتراز از مسئولیت که خوانده می‌تواند به آن استناد نماید. دو نمونه از آرای مذکور به نقل از یکی از حقوق‌دانان (بجنوردی، ۱۳۸۸ش، ج ۱، ص ۱۲۹) بیان می‌شود. در پرونده‌ی

1. The Occupiers Liability Act 1957
2. The Duty of Care

«WESTWOOD- V. POST OFFICE» (روزنامه تایمز، ۲۴ اکتبر، ۱۹۷۲) یک نفر تکنسین جهت اداره پست استخدام شد تا در کار تعویض شماره‌های تلفن انجام وظیفه نماید. شخص مذکور از در اتاق آسانسور که اکثر مواقع بسته بود و در روی آن اختطاری با این مضمون به چشم می‌خورد: «فقط متصدی صلاحیت‌دار آسانسور حق ورود به این محوطه را دارد» با قصد رفتن به پشت بام برای لحظاتی استراحت و هواخوری وارد شد؛ ولی به محض ورود به این منطقه ممنوعه حفره‌ای در زیر پایش باز شد و در آن سقوط کرد و کشته شد. خانواده‌اش با این استدلال که اداره پست اولاً طبق قواعد کامن‌لو مرتکب بی‌احتیاطی شده و ثانیاً برابر ماده‌ی ۱۶ «قانون محوطه‌ی ادارات و داکاین و راه آهن مصوب ۱۹۳۶» موظف بوده است که ساختمانی استوار در اختیار کارکنان قرار دهد، خود را محق در اخذ غرامت دانستند و درخواست محکومیت خوانده را به پرداخت خسارت نمودند. دادگاه استیناف انگلستان مرکب از سه لرد، استیناف دعوی خواهان را مردود اعلام نمود و در رأی صادره اشعار داشت که اولاً از لحاظ کامن‌لو اداره‌ی خوانده تصور نمی‌کرد که متوفی بدون داشتن هیچ نوع وظیفه‌ای وارد اتاق آسانسور شود. زیرا متوفی قصد داشته برای هواخوری از طریق ناصحیح به پشت بام برود و به هشدار صریح خوانده به منع ورود اشخاص ناوارد به آن محوطه توجه نکرده و خود مرتکب بی‌احتیاطی شده است و ثانیاً از لحاظ قانون ۱۹۳۶ متوفی برای انجام کار در اتاق آسانسور استفاده نشده بود و در این موقعیت رهگذر معمولی محسوب می‌شود؛ بنابراین چون هیچ‌گونه غفلتی از طرف خوانده به عمل نیامده است لذا مستوجب پرداخت غرامت نمی‌باشد.

در دعوی دیگر، دو نفر به نام‌های کاسیدی^۱ و رایت^۲، اولی از سال ۱۹۴۶ و دومی از سال ۱۹۴۷ در یک کارخانه لاستیک‌سازی استخدام و به کار مشغول شدند. شرکتی به نام صنایع شیمیایی سلطنتی محدود، با کارخانه‌ی لاستیک‌سازی مذکور طرف معامله بود و به

1. Cassidy
2. Right

این کارخانه مرتباً دارویی به نام «NONOX-S» تا سال ۱۹۴۹ تحویل داده می‌شد. آقایان کاسیدی و رایت، کارگران نامبرده، به بیماری سرطان مثانه مبتلا شدند و علیه شرکت صنایع شیمیایی دادخواستی برای ضرر و زیان حاصله تقدیم کردند؛ GASSIDY WRIGHT.

V. TM. CHEMICAL INDUSTRIES LTD

خواهان محکوم شدند و از حکم صادره پژوهش خواستند. دادگاه استیناف انگلستان به نفع پژوهش خواهان، رأی محکومیت را شکست و در رأی مورخ ۳۱ اکتبر ۱۹۷۲ خود اشعار داشت (روزنامه‌ی تایمز، ۳ نوامبر، ۱۹۷۲) که حسب شواهد موجود در پرونده‌ی امر، شرکت خوانده قبل از پایان سال ۱۹۴۶ اطلاع داشته که داروی تحویل شده از طرف او تولید سرطان مثانه می‌کرده و یا حاوی ماده‌ای بوده که چنین مرضی را به وجود می‌آورد است. با این وجود به متصدیان کارخانه‌ی لاستیک‌سازی جریان را گزارش نداده است و این چیزی نیست جز بی‌احتیاطی و لذا پژوهش خوانده محکوم به پرداخت خسارات مورد ادعای پژوهش خواهان می‌باشد. در حقوق کامن لو و کنوانسیون بیع بین المللی کالا (۱۹۸۰ وین)^۱ قاعده‌ای تحت عنوان قاعده تقلیل خسارت^۲ است که می‌تواند یکی از مصادیق قاعده هشدار باشد. طبق قاعده مذکور هرگاه شخصی به سبب تقصیر دیگری در معرض ورود ضرر قرار گیرد؛ مکلف است در حد متعارف اقدامات لازم برای جلوگیری یا کاستن خسارت انجام دهد (ابهری، ۱۳۹۲ش، ص ۷۹). قاعده تقلیل خسارت در هر دو مسئولیت قراردادی و خارج از قرارداد کاربرد دارد. اگرچه قاعده مذکور در حقوق ایران بالصراحه نیامده است ولی از محتوای مواد قانونی من جمله ماده ۱۵ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ و ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی می‌توان قاعده تقلیل خسارت را به دست آورد.

1. United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (1980).
2. The Mitigation of Damage

۳.۳. حقوق بین الملل^۱

«حقوق بین الملل که از شعبات حقوق عمومی است، حقوق جامعه بین المللی است؛ یعنی مجموعه قواعد و مقررات لازم الاجرائی (حقوق موضوعه) که ناشی از روابط بین الملل و تنظیم کننده مناسبات میان اعضای جامعه بین المللی است. این رشته حقوقی بر حقوق ملی یا داخلی کشورها تقدم و اولویت داشته و کشورها و سازمان های بین المللی (دولتی) ملزم به رعایت این قواعد در روابط خود هستند» (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۲ش، ص ۷). در برخی از رأی های صادره از مراجع قضایی بین المللی به هشدار به عنوان عامل رافع مسئولیت اشاره شده است. باین همه در حقوق بین الملل هشدار تحت عنوان اخطار قبلی و اطلاع رسانی به عنوان یک تعهد عرفی یا نانوشته شناخته شده است.

در قضیه «ذوب فلزی ترای» میان ایالات متحده و کانادا در دیوان داوری بین المللی چنین قضاوت شد که عدم اقدام کانادا در دادن اطلاع نسبت به آلودگی هایی که به اموال کشاورزان آمریکایی خسارت می رساند، سبب ایجاد مسئولیت بین المللی کشور یادشده به ایالات متحده شده است (تقی زاده انصاری، ۱۳۷۹ش، ص ۱۳۷). برخی از اعمال و وقایع که کشورها را از هرگونه مسئولیتی مبرا می سازند عبارت اند از رفتار تحریک آمیز بیگانگان و نیز اخطار قبلی (هشدار) که توسط کشورها داده می شود، مبنی بر این که بیگانگان کشور را ترک کنند. این هشدار معمولاً توسط کشورها در هنگام بروز جنگ و یا آشوب های داخلی (مانند جنگ های داخلی اسپانیا ۱۹۳۶-۳۹) و یا به هنگام تشنجات بین المللی (مصر ۱۹۵۶) به بیگانگان داده می شود. ضیائی بیگدلی، همان، ص ۴۲۰) در پرونده کانال کورفو^۲

1. Internation Law

۲. «در تاریخ ۲۲ اکتبر ۱۹۴۶ دو کشتی انگلیسی و ۲ ناوکش از سمت جنوب وارد شمال تنگه کورفو شدند. آبراه مربوطه داخل آب های آلبانی قرار داشت و امن به شمار می آمد، چرا که در سال ۱۹۴۴ مین رویی شده بود و در سال ۱۹۴۵ مجدداً نیز مورد بازرسی قرار گرفته بود. یکی از ناوکش ها با نام Saumarez با مین برخورد نمود و شدیداً صدمه دید. ناوکش دیگر با نام Vologe به کمک آن شتافت و در حالی که آن را یدک می کشید با مین دیگری برخورد

(انگلیس علیه آلبانی) که موضوع اختلاف میان دو کشور در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح شد و دیوان یادشده سرانجام طی رأی مورخ ۹ آوریل ۱۹۴۹ دولت آلبانی را به علت ندادن هشدار درباره مین‌های موجود در تنگه کانال کورفوی شمالی، مسئول شناخته است (مقتدر، ۱۳۸۳ش، ص ۱۴۶). به عبارت دیگر، انگلستان در پرونده کورفو، کل مبلغ خسارت مورد ادعای خود علیه آلبانی را بر اساس قصور تخلف‌آمیز دولت آلبانی در اعلام وجود مین‌ها دریافت کرد. دیوان بین‌المللی دادگستری بر این اساس که آلبانی از وجود مین‌ها و قصد کشتی‌های انگلیسی برای استفاده از حق عبور خود آگاهی داشته یا می‌باید آگاهی می‌داشته، ولی در اعلام مراتب به کشتی‌ها قصور ورزیده، حکم به نفع دولت انگلستان صادر نموده است (حلمی، ص ۳۷۵). دولت آلبانی به وجود مین اطلاع داشته و احتمال خطر انفجار را به کشتی‌هایی که وارد تنگه می‌شدند باید گوشزد می‌کرد و این عدم هشدار، ترک فعلی است که موجب مسئولیت بین‌المللی شد (سادات میدانی و میرعباسی، ۱۳۸۷ش، ج ۱، ص ۱۱۲).

در حقوق بین‌الملل برای کشوری که صدمه‌دیده و قصد انجام اقدامات متقابل را دارد، شرطی در نظر گرفته‌اند که طبق آن باید نسبت به هر تصمیمی که قصد دارند به‌عنوان اقدامات متقابل اتخاذ نمایند، به دولت مسئول پیشاپیش اعلام و اخطار نمایند؛ به عبارت دیگر دولت صدمه‌دیده‌ای که قصد استناد به مسئولیت دولت دیگری را دارد باید ادعای خود را به آن دولت اعلام و اخطار نماید. عدم اخطار و هشدار از سوی کشور صدمه‌دیده دارای پیامدهای حقوقی است که حتی ممکن است موجب از دست دادن حق استناد به مسئولیت به سبب اسقاط حق یا ترک ادعا شود (حلمی، صص ۳۵۴-۳۵۵). بنابراین روشن می‌شود که قاعده هشدار در حقوق بین‌المللی نیز عملاً مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ اگرچه نگاه جامعه بین‌المللی به قاعده هشدار مانند نگاه فقهی و حقوقی کشور

نمود و به شدت به آن خسارت وارد گردید. ۴۵ افسر بریتانیایی و خدمه کشتی جان خویش را از دست دادند و ۴۲ نفر دیگر نیز زخمی شدند» (سادات میدانی، ۱۳۸۷ش، ج ۱، ص ۱۰۰).

ایران نیست ولی به نظر می‌رسد که این امر عقلانی و عرفی بودن هشدار را تقویت می‌کند.

نتیجه

قاعده فقهی هشدار یکی از قواعد کاربردی است که در واقع متخذ از روایت امام صادق (ع) در یکی از قضاوت‌های امام علی (ع) است و با مذاقه و تحقیق میرهن است که این قاعده مختص فقه شیعه و از مبدعات فقه پویای امامیه است مع الوصف در این مقال اشکار شد که قاعده هشدار در اغلب مصادیق حقوق اعم از حقوق داخلی و خارجی و بین المللی کاربرد دارد و هم‌چنین در انواع مسئولیت‌ها مانند مسئولیت مدنی و کیفری و اداری و انتظامی و ... و در انواع تعهدات اعم از اخلاقی و قراردادی و خارج از قرارداد واجد کاربرد می‌باشد و اگرچه در برخی از انواع حقوق مانند حقوق خارجی و بین المللی قاعده هشدار با شکل و شمایلی که در فقه امامیه بدان پرداخته و تعریف شده نمود ندارد و لکن آثاری که بر عدم توجه به هشدار مترتب است را می‌توان در قاعده هشدار پیدا کرد. لذا جا دارد متخصصین در هر یک حوزه‌های حقوق یادشده می‌توانند به بررسی قاعده به صورت جزئی و ناظر به موضوع تخصص خودشان بپردازند.

منابع

- ابهری، کاویار، «نظریه تقلیل خسارت در کنوانسیون بیع بین المللی کالا و حقوق ایران»، دو فصلنامه دانش حقوق مدنی، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۲.
- بزرگمهر، امیرعباس، قوانین مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران و فرانسه، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۴ ش.
- تقی زاده انصاری، مصطفی، حقوق بین الملل عمومی، نشر قومس، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، دار الکتب الإسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
- جامپیون جونوز، والتر. تی، مسئولیت مدنی در ورزش، ترجمه حسین آقائی نیا، انتشارات دادگستر،

تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۸ ش.

جعفری تبار، حسن، مسئولیت مدنی سازندگان و فروشندگان کالا، نشر دادگستر، تهران، ۱۳۷۵ ش.

جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، چاپ هفتم، ۱۳۷۴ ش.

حاجی زاده و زینالی نسرانی، حمیدرضا و حسین، جایگاه فقهی هشدار و نقش آن در رفع مسئولیت کیفری، ناشر قانون مدار، کاشان، ۱۳۹۲ ش.

داراب پور، مهراب، قاعده مقابله با خسارت، کتابخانه گنج دانش، تهران، ۱۳۷۴ ش.

ژوردن، پاتریس، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه و تحقیق: ادیب، مجید، نشر میزان، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۱ ش.

سادات میدانی، سید حسین و سید باقر میرعباسی، دیوان بین المللی دادگستری، ج ۱، انتشارات جنگل، تهران، ۱۳۸۷ ش.

سپهوند، امیر، «مسئولیت مدنی»، کانون وکلا، پائیز و زمستان ۱۳۵۳، شماره ۱۲۸ و ۱۲۹.

شریف الرضی، محمد بن حسین، خصائص الأئمة علیهم السلام، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۶ ق.
شعاریان، ابراهیم و یوسف مولائی، «مطالعه تطبیقی مبانی قاعده تقلیل خسارت»، نشریه فقه و حقوق اسلامی، سال اول، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۰.

شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، انتشارات دراک، تهران، چاپ سی ام، ۱۳۹۲ ش.

شهیدی، مهدی، اصول قراردادهای و تعهدات، انتشارات مجد، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۵ ش.

همو، آثار قراردادهای و تعهدات، انتشارات مجد، تهران، چاپ ششم، ۱۳۹۳ ش.

ضیائی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین الملل عمومی، کتابخانه گنج دانش، تهران، چاپ هجدهم، ۱۳۸۲ ش.

کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی، گنج دانش، تهران، ج ۱، ۱۳۷۶ ش.

همو، ضمان قهری-مسئولیت مدنی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۰ ش.

همو، مسئولیت ناشی از عیب کالا، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ ش.

همو، وقایع حقوقی، شرکت سهامی انتشار، چاپ پانزدهم، ۱۳۹۴ ش.

کاظمی، محمود، «قاعده جلوگیری از خسارت»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۸، تابستان ۱۳۸۴.

کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد، مسئولیت بین المللی دولت، مترجم نصرالله حلمی، نشر میزان، تهران.

گلستان سعدی شیرازی.

لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، دار الحدیث، قم، ۱۳۷۶ ش.
محقق داماد، مصطفی و نصرالله جعفری خسروآبادی، «بررسی قاعده مقابله با خسارت بر اساس فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران»، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.

مقتدر، حسین، حقوق بین الملل عمومی، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۳ ش.
موسوی بجنوردی، سید محمد، قواعد فقهیه، انتشارات مجد، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۸ ش.
نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ ق.

نوری، محمدعلی، قانون مدنی فرانسه بخش عقود و تعهدات، گنج دانش، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۳ ش.
Richard Owen, *Essential Tort Law*, Gavendish Publishing Limited, Loldon, 2000.
David Green, *Torts Law*, 5th Ed, Gavendish Publishing Limited, London, 2003.
Rogers.W.V.H., *Winfield and Jolowics on Tort*, 16th edition, Sweet and Maxwell, London, 2002.
United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods, 1980.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی